



نقد و معرفی کتاب

زبور آل داود و وجوه ارزشی آن

سید سعید میر محمد صادق

کوچکترین پسر شاه سلیمان ثانی، یعنی میرسید محمد مرعشی - نوه دختری شاه سلیمان صفوی - است که به سال ۱۱۶۵ هـ. ق زمانی که پدرش پس از کور شدن به دست عوامل شاهرخ میرزا در بند وی گرفتار بود، دیده به جهان گشود. او در شرح احوال خود در کتاب می نویسد که در روز شنبه ۵ جمادی الاول ۱۱۸۲ به همراه برادرش قاسم میرزا (متولد ۲۸ صفر ۱۱۵۴)، متوفی شعبان ۱۲۰۷ هـ. ق) از مشهد به عراق و اصفهان و سپس به شیراز رفته و مورد نوازش کریم خان زند قرار گرفته و بعد از آن گاهی در اصفهان و گاهی در شیراز به سر می برده و در اصفهان به زراعت و فلاحت مشغول بوده و کتاب زبور آل داود را در همان اوقات تألیف و در سال ۱۲۱۸ از آن فراغت یافته است و تا ۱۲۳۶ بر کتاب مطالبی افزوده شده است که احتمال داده می شود او تا این تاریخ زنده بوده است.^۱

نویسنده در دیباچه اثر، نام کتاب را زبور آل داود نام نهاده و به وقوع فتنه افغان که باعث گسسته شدن رشته نظم در ایران و از بین رفتن اهل قلم و حرف شده، اشاره دارد و اظهار می دارد که در این ایام، همه کس «در کار خود حیران و به جهت تحصیل نان سرگردان» است و با توجه به این حال از گذشتگان و پیشینیان جهت ثبت و شرح احوال خاندان و نسب نامه آنان، کسی در صدد نگارش برنیامده است، لذا جهت رفع این نقیصه، نویسنده خود را موظف داشته، علاوه بر بیان کیفیت انساب، مختصری از احوال اجداد و سواد و قفنامجات و نوشتجات و مستغلات وقفی را شرح نماید تا اولاد این خاندان بر احوال اجداد و نسبت با اقوام وقوف یا بند و از درآمد املاک و موقوفات نیز آگاه باشند.^۲

این کتاب، چهار بخش است، شامل: یک دیباچه، یک مقدمه و دو باب.

در دیباچه، همانطور که اشاره شد، مؤلف هدف از تألیف کتاب و نام آن را مشخص کرده است. در بخش مقدمه مؤلف به بیان

سلسله صفویه، یکی از معدود سلسله های تاریخ ایران بعد از اسلام است که به واسطه مشروعیت سیاسی و مذهبی که نزد مردم پیدا کرده بود، توانست پس از سقوط این سلسله در زمان سلطنت شاه سلطان حسین، به طور صوری به حیات نیمه جان خود ادامه دهد و حکام و فرمانروایان بعدی با تمسک به پیشینه مذهبی و مشروعیت سیاسی آنان در نزد مردم، در صدد تسلط بر امور بودند که این روال از دوره فعالیت های نادر جهت خروج افغانه از ایران تا اوایل قاجار ادامه داشت. این شاهان صوری صفوی عبارت بودند از:

شاه طهماسب دوم (در دوره به قدرت رسیدن نادر)، سید احمد برادرزاده شاه سلیمان ثانی در کرمان (در دوره تسلط افغانه) شاه عباس سوم (در عصر افشاریه)، میرزا سید محمد (سلیمان میرزا) با لقب شاه سلیمان دوم در مشهد، شاه اسمعیل سوم در عصر زندیه و سرانجام ابوالفتح سلطان محمد میرزا با عنوان سلطان محمد ثانی (در اوایل قاجار). در این باره چندین کتاب نیز به رشته تحریر درآمده است که بیشتر سعی بر معرفی تاریخ حکومت سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط این سلسله است که از آن جمله به کتاب های: مجمع التواریخ میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی^۱، مجمل التواریخ ابوالحسن بن محمد امین گلستانه^۲، فواید الصفویه ابوالحسن قزوینی^۳ و زبور داود سلطان هاشم میرزا اشاره کرد که از میان این چهار اثر به جز نسخه آخرین همگی قبلاً به چاپ رسیده اند.

کتاب زبور آل داود که حلقه مکمل خوبی جهت تحقیقات صفویه شناسی به ویژه در دوره پس از سقوط این سلسله به شمار می آید، اخیراً به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی تصحیح و به اهتمام نشر میراث مکتوب در دسترس علاقمندان به ویژه محققان تاریخ صفویه قرار گرفته است.

مؤلف این کتاب، سلطان محمد هاشم میرزا، پنجمین و

شرح احوال چهاردهمین جد میرزا سیدمحمد (شاه سلیمان ثانی) یعنی سید قوام الدین صادق، مشهور به میر بزرگ پرداخته است که در بیان شرح زندگانی و سلسله نسب او از مآخذ ذیل کمک گرفته است:

بحر الأنساب، عمدة الطالب، شجرة سادات عالی درجات تألیف امیر هدایة الله بن خلیفة الله، رسالة ضیاء القلوب تألیف میرزا ضیاء الدین محمد بن امیر تاج الدین حسن، بحر الفوائد تألیف میرزا محمد شفیع، مطلع سعدین عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی، ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، روضة الصفا مجلد پنج و شش، حبیب السیر و تاریخ طبرستان ظهیرالدین مرعشی.^۶

نویسنده همچنین در مقدمه اشاره می کند که سلسله مرعشیه پنج فرقه اند، شامل: سادات مازندران، سادات شوستر، سادات مرعشیه اصفهان، سادات مرعشیه قزوین و سادات مرعشی هرات و سایر بلاد.^۷ مؤلف در بخش دیگری از مقدمه، علاوه بر معرفی سید قوام الدین صادق، مشهور به میر بزرگ، به بررسی و شرح احوال فرزندان و نوادگان موالید او نیز پرداخته، و درباره موالید و فرزندان و نوادگان دختری فقط به نام، نام همسر و یا برخی از فرزندان نامدار آنها اکتفا کرده است، به جز دختران میرزا محمد شفیع، جد شاه سلیمان ثانی که به شرح احوال همسر و فرزندان او نیز پرداخته است.^۸

مؤلف همچنین در بخش آخر مقدمه خود، مختصری از شرح احوال زبیده بیگم، دختر شاه عباس و جد مادری سیدمحمد مرعشی ارائه داده است که به خوبی ریشه نسب شاه سلیمان ثانی را در سادات مرعشی، سلاطین صفویه و خاندان سلطنتی گرجستان نشان می دهد^۹ که جهت اطلاع به جداول انتهایی مقاله رجوع شود.

نویسنده پس از مقدمه در باب اول، به ذکر شرح احوال میرزا محمد داود حسینی مرعشی، پدر شاه سلیمان ثانی و چهارده فرزند او می پردازد و در باب دوم به شرح احوال و زندگی سیدمحمد میرزا ملقب به شاه سلیمان ثانی پرداخته و تقابل و برخورد او با شاهرخ، عادلشاه و ابراهیم شاه نوه و برادر زاده های نادر را و نحوه حکمروایی «چهل روزه» او را^{۱۰} بیان کرده است و در انتهای این باب، به شرح احوال پنج فرزند او، یعنی سلطان داود میرزا، سلطان علی میرزا، سلطان حسین میرزا، سلطان قاسم میرزا و خودش و فرزندان آنان پرداخته است. با مطابقت برخی وقایع کتاب زبور آل داود با کتاب مجمع التواریخ تألیف میرزا محمدخلیل مرعشی صفوی، نشان می دهد که سلطان هاشم میرزا در تألیف خود از

کتاب برادر زاده اش بهره گرفته است، به ویژه در بیان سلطنت میر سید محمد یا شاه سلیمان ثانی و شرح حال او تا آخر عمر که در هر دو کتاب با اندکی اختلاف، یکی و در برخی موارد، سلطان هاشم میرزا جهت تفصیل و اطلاع بیشتر خواننده را به کتاب برادرزاده اش ارجاع می دهد:

«... بعضی از آنها در این نسخه مذکور می شود و هرگاه

مبسوط خواهند، در مجمع التواریخ طلب نمایند»^{۱۱}

مؤلف در دیباچه خود و برخی صفحات اشاره به تألیف کتاب در سال ۱۲۱۸ هـ. ق دارد، ولی در جایی که به معرفی فرزندان و نوادگان خود می پردازد، تا تاریخ ۱۲۳۶ به ولادتها و درگذشتگان اشاره می شود^{۱۱} و حتی در ذکر نام نوادگان میرزا شفیع به تاریخ ۱۲۴۰ که ولادت میرزا محمدحسین، نوه او است، برخورد می کنیم که مصحح در حواشی خود احتمال داده است که برخی توسط او و نیز فرزند یا فرد دیگری از خانواده، مطالب سالهای بعد را به کتاب افزوده باشند^{۱۲}. مؤلف در مقدمه به سواد و قناعت و نوشتجات املاک و مستغلات وقفی خاندان مرعشی اشاره می کند^{۱۳} که در بررسی کتاب، هیچگونه مطلبی در این باره دیده نشد.

با مطالعه باب اول و دوم این کتاب نکات سودمندی از تاریخ عصر صفویه و بیان و اتفاقات دوران افشاریه به دست می آید از آن جمله:

■ در شرح احوال میرزا ابوالقاسم، اشاره به فرمان شاه سلطان حسین به جهت آوردن آب کوهرنگ شده که مشخص است جریان انتقال آب کوهرنگ هنوز مدنظر پادشاهان صفوی بوده است^{۱۴}.

■ مأموریت میرزا ابوالقاسم در نحوه دفاع بخشی از شهر اصفهان در برابر افغانه^{۱۵}.

■ شرح احوال و عاقبت میرزا سیداحمد خان فرزند میرزا ابوالقاسم و نوه میرزا محمد داود که توانسته بود سه چهار سالی، جمعیتی به گرد خود جمع کرده و در کرمان بر علیه افغانه قیام کرده و عاقبت او و برادرش، توسط اشرف افغان گردن زده شدند^{۱۶}.

■ آشنایی با سادات مرعشی که از تبار امام زین العابدین - علیه السلام - بودند.

■ آشنایی با شاهرزادگان اواخر دوره صفوی و کیفیت ازدواج، موالید، مشاغل و مناصب آنها.

■ آگاهی از وقایع آخرین دوره افشاریه و اوایل زندیه.

■ آشنایی با روابط و مناسبات سادات مرعشی با سلسله های صفوی، افشاریه و زندیه.

جدول شماره ۱: نمایه نسب سادات مرعشی از امیرکبیر سیدقوام الدین صادق مشهور به میربزرگ تا مؤلف کتاب

امیرکبیر سید قوام الدین صادق مشهور به میربزرگ

شماره نامه رایج ثبتی: ۸۸۲ هـ.ق

امیرکمال الدین احمد



(مفسر او نوکان خانان بود)^{۱۹} (امیر ساری لوت خدا)^{۱۹}

امیر سید مرتضی

(نام او بخاطر سید زین الدین امیر بود)^{۲۱}

امیر تاج الدین حسین ابو محمد

میر عبدالکریم

میر عبدالرحیم

میر عبدالرزاق

(نام او این معنی از قوم تامل بود)^{۲۱}

سید جمال الدین

(نام او از بخاطر ملک عبودیت و سخاوتی است)^{۲۱}

امیر نظام الدین

امیر عبدالقادر (م ۸۹۷)

میرزا قوام الدین

(نام او بخاطر به خواهر شیخه محبت الدین کریمانی بود)

میرزا ابوالفضل

میرزا ابوالحسن

میرزا صلی الدین محمد

میرزا رحمت الله

میرزا زین العابدین خان

میرزا زین العابدین خان

میرزا قوام الدین محمد

میرزا قوام الدین محمد

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

(مفسر میرمحمد استرکابادی)

میرزا محمد شایخ

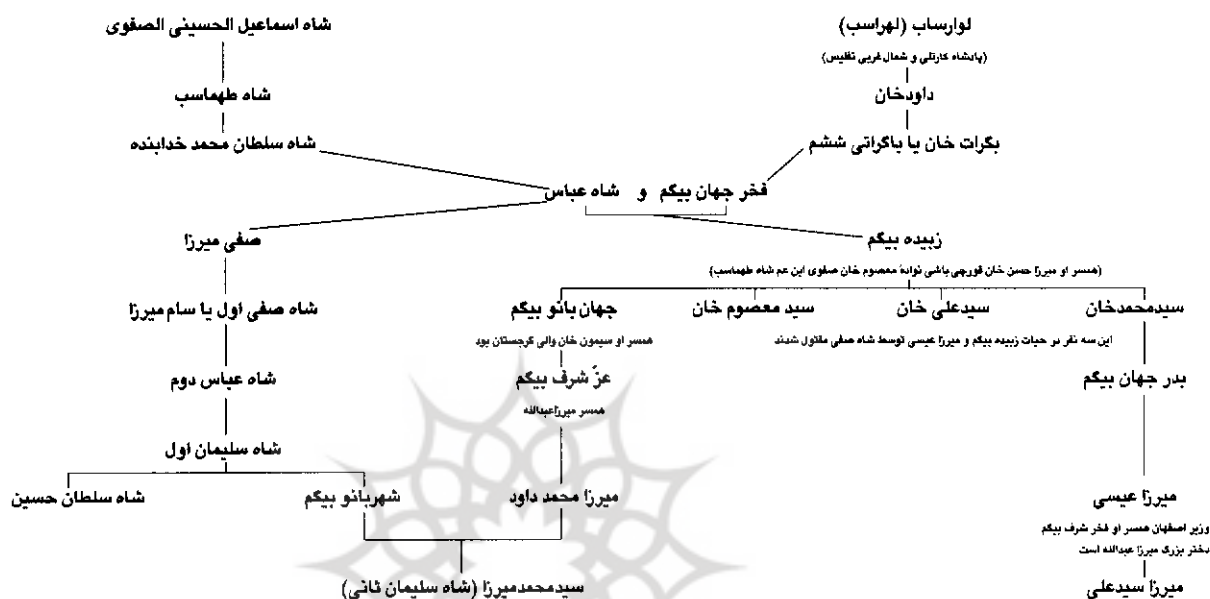
(مفسر میرمحمد استرکابادی)

نگارنده این سطور، جهت آشنایی خوانندگان با شجره شاه سلیمان ثانی و ارتباط وی با سلاطین صفوی و سلاطین گرجی جداولی بر اساس اطلاعات کتاب زبور آل داود تهیه کرده که در همین مقاله ارائه می شود.

*

مصحح در تصحیح خود، عبارات متن را با مأخذ اصلی کتاب تطبیق داده و بسیاری از اغلاط نسخه را که نتیجه بی سوادی یا سهل انگاری کاتب یا احیاناً معلول مغلوط بودن نسخه مأخذ بوده تصحیح کرده و در مواردی که لازم بوده است، توضیحاتی افزوده شده است.

جدول شماره ۲ نمایه نسب شاه سلیمان ثانی از سلاطین صفوی و سلاطین گرجستان



پی نوشت ها:

۱. مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل، مجمع التواریخ، به تصحیح عباس اقبال، تهران، انتشارات طهوری، چاپ دوم ۱۳۶۲
۲. گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، مجمل التواریخ، به تصحیح مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۵۶.
۳. قزوینی، ابوالحسن، فواید الصفویه، به تصحیح دکتر مریم میراحمدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۷.
۴. سلطان هاشم میرزا، زبور آل داود، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، نشر میراث مکتوب، چاپ اول ۱۳۷۹، صص ۱۴۱-۱۴۴
۵. همان کتاب، ص ۲۰
۶. همان کتاب، ص ۲۲
۷. همان کتاب، ص ۲۴
۸. همان کتاب، صص ۴۱، ۴۵ و ۴۶
۹. همان کتاب، صص ۴۴، ۴۵
۱۰. مدت سلطنت شاه سلیمان ثانی را چهل روز نوشته اند و محمد شفیع حسینی قزوینی در کتاب احوال عرفا که در سال ۱۱۸۵ هـ. ق تألیف کرده، در ترجمه حال شاه نعمت الله (متوفی ۸۲۷ هـ. ق) قصیده ای از او که در آن ذکری از اخبار آینده کرده با این مطلع
ای عزیزان شور و غوغا در جهان خواهد گرفت
غصه و غم از زمین تا آسمان خواهد گرفت
آورده، و پس از آنکه عده ای از پادشاهان صفویه را در آن نام برده و با اشعار قصیده، تطبیق کرده، مقصود از این داود در این ابیات:
دیگری از صلب او ابن داود آشکار
این جهان را همچو خاتم در میان خواهد گرفت
ربع مسکون را به فرمان خدا آن شهریار
چون سلیمان نبی، آن نوجوان خواهد گرفت
چون چهل سال او بود نایب به فرمان اله
مهدی صاحب زمان روی زمین خواهد گرفت
میر سید محمد متولی ابن میرزا داود را دانسته و گوید: «راقم الحروف در سال ۱۹۶۱ هـ. ق قصیده را به نظر مرحوم سید محمد مزبور رسانیده، چون سید مزبور، سلطنت چهل ساله را ملاحظه نمود، کمال بهجت به او روی نمود. اتفاقاً چهل سال، چهل روز شد. برای اطلاعات بیشتر در این باره، رک: گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، مجمل التواریخ، صص ۴۰۳ و ۴۰۴
۱۱. همان کتاب ص ۱۱۴؛ لازم به ذکر است که مصحح بخش دوم این کتاب را با مجمع التواریخ مقایسه کرده و افتادگی ها و تفاوت ها را نشان داده است، برای اطلاع بیشتر رک: به صص: ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۳.
۱۲. همان کتاب، صص ۱۴۲-۱۴۴
۱۳. همان کتاب، ص ۷۰
۱۴. همان کتاب، ص ۱۳
۱۵. همان کتاب، ص ۵۱
۱۶. همان کتاب، صص ۵۲ تا ۶۳
۱۷. همان کتاب، ص ۲۸
۱۸. همان کتاب، ص ۲۹
۱۹. همان کتاب، ص ۲۹
۲۰. همان کتاب، ص ۲۹
۲۱. همان کتاب، ص ۲۹